

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نائب مدیر میرزا سید حسن کاهانی
دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاهانی
میراز روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ قران
(قیمت يك نسخه)
در طهران صد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری
دو قران است

روزنامه یومیه مئی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی حالات عام المنفعه
با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

جمعه غره شوال المکرم ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۳ ابانماه جلالی ۸۲۹ و ۸ نوامبر ۱۹۰۷ میلادی

میدان جان بازی

سورة توبه : ۲۴ : (قل ان کان آبائکم و ابنائکم
و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقربتموها
و نجارة تخشون کسادها و ما کن ترضونها احب الیکم
من الله و رسوله و جهاد فی سبيله فقموا حتی یاتی الله
بامرہ و الله لایہدی القوم الفاسقین)

جلو گیری از دشمن و دفاع از هجوم مخالف
طبیعی انسان است انسان بالفطره مجبور و مجبول است
که خود را از دشمن محافظت کند و حقوق خویش را
نگهداری نماید حتی همان و حشیان جنگل و انسان
دوره اول اگر از محصولات طبیعی از قبیل حبوب
و میوجات و غیره را بخون دل یا برابکان بدست آورد
و دیگری بخواهد بجبر و عنف از دستش ربوده طعمه
خویش سازد طبعاً متمیز میشود و بر آغشته میگردد و
تا آنجکه در قوه اوست تن در نمیدهد و تاجائیکه دستش
میرسد کوشش میکند که حق و مال خود را نگاهدارد
و نیز اگر صیادی دام نهد و صیدی را بدام کشد
و در آنحال دیگری قصد تصرف و طمع در آن صید
کند می تخاصی اسلحه کشیده و بر او حمله میکند و
صید خود را بغیر تسلیم نمیکند این حال فطری را
غیرت میگویند غیرت سکه مردانگی است غیرت نشانه
جوان مردی است غیرت شخص را بجهاد و دفاع و
میدارد و انسان را چنان میسازد که دست از جان و
مال شسته بر صف دشمنان میزنه و کوی مردی میریابد
دین حنیف اسلام محرک اعصاب غیرت است
هر کس که واقفا مسلمان است و باین شریعت پاک اعتقاد

دارد خوب است در معنی این آیه شریفه چند دقیقه
تامل کند و اسلوب انرا که مبینی بر کمال شدت و سختی
است بنظر عبرت بتگرد که خدای متعال چگونه تهدید
میفریاید و از عسائبت کسالت و تنبلی تخویف میکند
اکنون برای برادران بازاری خود که چندان بهریت آشنا
نیستند آیه مبارکه را تفسیر و ترجمه میکنیم تا عرق دینداری
و مسلمانیشان بحرکت آید و بیدرتک بمیدان جان بازی
یعنی مشق نظامی حاضر شوند و بدانند که کوناهای در
این امر عظیم چه خطرات تولید میکند و آتیه مارا چه
قسم سیاه و تاریک میسازد —

صریح آیه آنستکه در راه جهاد و حفظ حدود
و تهور اسلام و محارست بلاد اسلامی و دفاع از وطن بحدی
لازم و واجب است که ازن و بیچه و برادر و خواهر و پدر
و فرزندی و مال و منزل و تجارت و باغ و پارک و مبل و غیره
و غیره مقدم است یعنی اگر طقات از گرسنگی فالان است
و زنت سرگردان و حیران ، تجارتت کساد میشود و
مال از میان میرود خانه ات خراب و روز کارت تباہ
میگردد همه را در راه خدا دور افک و پشت پای همت بر جسمگی
زده همه را همان حالت نه سلاح در بر کن و بمیدان جنگ بشتاب و
دل بردری ای آتش زن و محبت زن و فرزند و ثروت و عزت را
از قلب بیرون کن که حفظ اسلام و وطن اسلامی ات
بر دنیا و ما فیها مقدم است زن و فرزند و ثروت و عزت
است که وطن و اسلام پایمال نشوند دین و دولت از
دست نروند و گرنه با ذلت زندگی و رفیت اجانب خاش
بر سر اولاد و عیال باد تق بر آن ثروت که با مذلت
دست هر گردن باشد وای بر آن باغ و بوستان که غنائش
در کف دشمنان افتد ای بر آن تجارت که در لباس عار

و شنابر روتق یابد — بگو ای پیمبر باین امت و ملت اسلامی که اگر پدران و برادران و فرزندان و زنان و هیبه و ثروت اندوخته و تجارت رایج و عسارت پسندیده و دل نشین در پیش شما از خدا و رسالتش محبوب تر و از جهاد در راه خدا (یعنی در راه دین خدا و حفظ اسلام و مسلمین و بلاد اسلامی) در نزد تان مهتر است و آنها را از جهاد و دفاع بیشتر دوست دارید و دل از آنها نمیکنید پس وای بر حالتان باد و منتظر شوید تا امر خدا برسد و آتش غضب الهی تاپای وجود تان را فرو گیرد همان اموال و ثروت دست خوش فنا شود و همان خانه و لانه ار لیب قبر خدائی تل خاکستر کرده زن و فرزند تان را رشته اسارت بر گردن اندازند و غلامی و کتیزی برند و خود تانرا در خک و خون بطلا تند چرد که در انصورت شما قومی مستید فاسق و نابکار و مخالفت کننده احکام بزدان کرد کار و هرگز خداوند فاسقان را هدایت نکند و از چنگال مهر مایت نجات نبخشد

و نیز در همان سوره مبارکه آیه (۱۶) وارد شده (ام حسبم ان تترکو او لما یعلم الله الذین جاهدوا منکم ولم یتخذوا من دون الله والالمؤمنین ولیجه والله خیر بما تعلمون) که این آیه درست مطابق حال امروزی ما است و تفسیر ظاهریش آنکه : کمان نکنید بمحض حرف و لقلقه زبان شما را رها میکنیم و به مجرد آنکه خود را فدائی گفتید و مسلمان خواندید و نام مجاهد بر خود نهادید درهای نعمت برویتان باز میشود و استقلال و شرف و عزتان برقرار میماند خیر خیر امتحان لازم است تا مجاهد از تنبل معلوم شود و هدائی از تن پرور تمیز داده گردد و معلوم شود در قلب کدام محبت زیاست و ثروت ذخیره و در خاطر کدام محبت خدا و رسول است و هر چند خداوند از اعمال شما مطلع و بر اسرار تان خبیر است مع هذا شمارا بجهاد امتحان میکند و مؤمنرا از منافق و غیر تمندرا از کسل جدا میسازد .

حالا که معنی این دو آیه را فهمیدید دیگر خود میدانید عزت در جهاد راحت در جهاد خوشنودی خدا و رسول در جهاد نعمت و شرف در جهاد — غضب و مهر در کسالت و خانه نشینی ، ذلت و عبودیت در فرار از جهاد آباهی در جهاد ، خرابی در تنبلی هر کدامرا میل دارید اختیار کنید و قبول فرمائید

(انا هدیناه السبیل اما هاکرا و اما کفورا)

(مکتوب از بهداد)

(قابل توجه و کلامات و وزارت امور خارجه)
وزرانی غیور ایران در این سی سال اخیر دولت و ملت ایران را با آن عظمت تاریخی بخاک مذلت نشاندند که در داخله و خارجه ابدأ عظمی و اعتباری بر عایا و تبه نمائند چنانکه ممالکات حکومت و مامورین عثمانی در این چند سال بایران و ایرانیان مشهود عالمیان است مخصوصا راز سه سال باین طرفی با ملت نجیب ایران زیاد از حد ضدیت و سؤ سلوک اشکارا نموده حال میخواهیم بدانیم که اسباب این تندی و عداوت چیست ؟ بنظر این بنده دو چیز است یکی تحمل و تمکین دولت و ملت ایران و دیگری طبیعت هیئت حکومت عثمانی اما فقره اول این است که اگر از دفترخانه های کار پردازان بهداد و بصره و غیره سؤال شود که در این سه ساله اخیره بر سر زوار و مجاورین و مامورین ایرانی چه آمده و هر این مدت چندین هزار زوار در راه ها و شهرها بدست قطاع الطریق و اشراک کشته شده و چند صد هزار تومان اموال و تقدینه ایشان بسرقت رفته و در ناخوشی سه سال قبل بجه نوع چندین هزار زوار ایرانی در زمستان در بیرون مسیب باسم قرآینه از گرسنگی و سرما کشتند و به مجرد ابتلای بمرض جگم حکیم یهودی پیش از جان کندن گور سپردند و در اغتشاشهای اخیره اصرار اعراب نجف بالغ بر بیست نفر ایرانی را طعمه کوله و قریب یکصد دکان و خانه غارت کردند و زیاده از هفتاد نفر متظلمین ایرانی را که به قنصل خانه انگلیس پناه برده بودند رشید پاشا با چهار صد نفر عسکر و دو بیست نفر از اکراد با شلیک تفنگ بخاک هلاک ریختند

امسال هم بقوه جبریه تمام نفوس ایرانی را اسم نویسی میکنند و برخلاف معاهده (۱۳۰۵) هر کس مادرش یا جد او عرب یا در طایفه شان یک زن عرب باشد تامارا با پلیس و ژاندرام از خانه و دکان میکشند و لباس عسکر به پوشانیده به حرای عربستان و یمن و نجد و غیره برای کشته شدن میفرستند

آباد مقابل این تمذیات فوق الماده عثمانی دولت و ملت ایران اقدامی کرد ؟ آیا عثمانیها بر املا رسمیه موافق حقوق بین الدول جواب داد ؟ آیا دیه یک نفر از این چندین هزار مقتول را از قاتلین معاونه گرفتند ؟ — نه والله آیا سفارت کبرای اسلامبول خیر دار شدند ؟ — بلی — پس چرا جناب متکاتره ! لالاقاب پرنس میرزا رضاخان دانش ارفع الدوله سفیر کبیر الخ جدا خواستکار رفع این تمذیات وارده نمیشوند ؟ — چون کارهای مهمتر دارند این کار هارا بعهده ترجمان ارمنی واگذار میکنند —

چه کاری مهمتر است از حفظ جان و مال رعیت ا - هر می قلمه - هر می قلمه چه فایده بحال ملت و دولت دارد اگر با برای بیرون کردن عساکر عثمانی از حدود متجاوزانه این تدبیر را کرده اند که تا بحال سفیر هیچ دولتی بخاطرش نرسیده .

برویم سر مطالب دولت عثمانی بعد از آنکه در مقابل این همه مظالم و تعدیات و خون ریزیها و نهب اموال از مدعی هیچ حرکتی که دلیل بر زنده گی او باشد ندید و فهمید دولت ایران غیر از دول بلغار و صرب و یونان است که بان جثه های کوچک از برای حفظ مال و جان ادنی رعیت تمام قوای عسکری خود را بسرد عثمانی سوق میکنند و عاقبت او را تا چار مجبور قبول خواهشات خویش مینمایند هکت مبدل یقین شد که دولت و ملت مادر صدد حفظ حقوق خود نیستند فرصت را غنیمت دانسته با کمال بی اعتنائی یکنفر میر پنجش را با پانصد نفر عسکر مامور بضبط اراضی و زنه نمود و این محال سر حدی را تصاحب کرد شش ماه از این حادثه گذشت بجز يك پروتست یوسیده ارفع الدوله حرکت دیگری از دولت ظاهر نشد بر بیحسی این ملت یقینش افزوده شد بسردار دیگرش امر داد با هزار نفر عسکر پیش آمده محال لاهیجان و همبچه پشو را هم ضمیمه تجاوزات سابقه نمود و مخارج عسکر مساخلوی را از مالیات اراضی لاهیجان اداره نمود در این دفعه تجاوز عثمانی بحاکم بیکیس ایران طولا هفتاد و پنج کیلومتر و عرضا بیست و دو کیلومتر بود

بعد از تجاوز ثانوی عثمانی متوهم شد که میاد از انطرف هم اقدامی شود بتمام حدودش خبر داد که مترصد حرکات ایرانیان باشید و مخصوصا هر روزه از بابعالی این سؤال از بغداد میشد که آیا زوار میآیند یا منقطع شد (گویا عثمانی یقین داشت که دولت ایران برای اظهار حیاتی افلا زوار را منع خواهد کرد) و جواب میرفت چنین آثاری معلوم نیست و همروزه پانصد ششصد نفر ذکور و اناث وارد میشوند در این گیر و دار پروتست ثانوی سفیر کبیر بدربار عثمانی رسید و این پروتست با تکرافات کثرت ورود زوار بستان اسباب مضحکه عثمانیها شد و اعتنائی نمودند . در این موقع واقعه فاجعه قتل و هارت پناهندگان در کر بلا وقوع یافت و مدعی این واقعه را آخر درجه امتحان میشمرد

سال گذشته کمیسیون در سرحد باطول زمان در مقابل بی اعتدالی عثمانیها نه بنقشه جان و نه معاہدات و نه

حقوق و قوانین موضوعه و نه بطریقه اخوت اسلامیت نتوانست کاری از پیش ببرد و عثمانیها فقط اراده جبری خود را معتبر دانستند موسم زوار رسید با کمال تعجب دیدند باز بقرار سابق که کله می آیند و دولت ایران از تمام این تعدیات مقبیه نشده و اسمال هم محض حفظ جان و مال رعایا زوار را منع ننموده در اینمورد یقین قطعی بهمرسانید که ایران صاحب ندارد و این کله های بنی آدم نه حصر ملی دارند نه اندیشه حفظ مملکت این بود که از تعدیات سابقه خود مطمئن شده تصرف حدود ایران را مصمم گردید پنج طابور بسرداری باورک بحدود ارومیه کسبل داشته و بیخبر بمملکت بیصاحب هجوم نمودند در این حمله تا دو فرسخی ارومیه پیش آمده و بیصد نفر رعیت ایران را بقتل رسانیدند و بشایر اعلان دادند که هر کس اطاعت عثمانی را نمایند در امانت از طرف دیگر محمد پاشا از پشوه پیش آمده اراضی سردشت را ضمیمه و زنه و لاهیجان نمود تا دو فرسخی ساوجبلاغ دهات را غارت کرده تمام عشایر آن سامان را از روی جبر بخت اطاعت در آوردند از طرف ایران نه يك اردوئی در آنجا حاضر و نه در صدد دفاع و اقدام شایانی شده ای بیچاره رعایای بیکیس ارومیه و ساوجبلاغ هیچ زمان بمخیله شان خطور نیدادند که اینقدر بیصاحب باشند و در خواب ندیده بودند که لشکر عثمانی وارد خاک ایشان شده و بیمقدمه و اعلان جنگ لانه و آشیانه شان را بضراب توپ با خاک یکسان کنند و مردانشان را بکشند و دخترانشان را باسیری و بی عصمتی ببرند

باز هم و زرای ما در صدد جلوگیری برنیامدند و افلا تردد زوار را موقتا از عراق عرب منع نکردند و منتفت نشدند که اسمال را نمیتوان قیاس بسالهای گذشته نمود با این عداوتیکه عثمانیها دارند در بلاد خویش یکنفر ایرانی را سالم نخواهند گذاشت در صحراها خواهند گشت و مالشانرا بیفما خواهند برد چنانکه همه پیش حسن آقای طابور آقاسی ژاندارم در رامندلی یکنفر رسید برآز و دو نفر دیگر را که هر دو ایرانی بودند اشت و سه هزار تومان اموالشان را برد خدا شاهد است مشغول خوشن همین مقاله هستم و از مسوغات امروزیم اشک از چشمانم جاری است امروز خبر رسیده که در راه سامره سه نفر زوار ایرانی را دزدان کشته و مالشانرا بردند یکمادر و دختر را بعد از سه ساعت نگاه داشتن رها نمودند

ایضا در بین قزل رباط و شهریان يك غائله را

چاپیده یکنفر را کشته و چند نفر را مجروح کرده اند و
 از برای وجه تقدیمه عورات را مکشوف نموده اند
 در راه نجف هم یکه غافله کوچک را غارت کرده اند
 امروز ایرانی در عراق عرب حکم کوفسند بی
 جویان را دارد که گرگان آنها را دور کرده هر چه میخواهند
 میبرند و میدزدند ذلت ایرانی بدرجه رسیده که اگر بیک نفر
 یهودی تندی شود فریاد خراهر کرد مگر من عجمم که
 بمن تندی میکنند وای بر غفلت ما فریاد از بیخسی ما
 کوفیرت مسلمانی کجا است حمیت ایرانی ؟

در این مورد با کمال نال و تحسر و حال پر ملال
 ملت بوزرای ملت پرست خطاب میکنم ملاحظه حرکات
 عثمانی را نموده و حال زوار و مجاورین عراق عرب را
 مایته کنید که چه بر سر این بیچاره کان میاید و با صدای
 بلند هموطنان عزیز مرا اخطار میکنم که ای برادران
 دینی و وطنی آگاه باشید که سفر عراق عرب بسیار
 خطرناک است بچه اطمینان بمملکتی سفر میکنید که بر
 وطن شما تجاوز میکند و اموالتان را بیغما میبرند و
 ناموستانرا بریاد میدهند و خون شما را حلال میدانند
 بموجب آیه شریفه (ولا تلقوا بایدیکم الی التهلكه)
 امروزه عزیمت بخاک دشمن جایز نیست اصغر شما
 امسال را از مسافرت عراق صرف نظر کنید او حساب کار
 خود را خواهد کرد حساب اگر غیرت ملی و غیرت
 وطنی و تعصب دینی دارید بخرج دهید (خیر خواه ملت)

(لایحه شهری)

(چند کلمه حقیقت در باب بانک استقراضی)

واضح است انما نیکه محتاج بیانک میشوند منتها
 درجه کارشان سخت و از فقر و فاقه مجبور شده که
 لازم تر اسباب حاجت خود را گرو گذازند انصافا حال
 این اشخاص رفت آئین و قابل رحم است — مگر
 خود حقیر دیدم اشخاصی که قرض گرفته از بانک
 خارج میشوند زن یا مرد تماما از مقومین شکایت دارند
 و اغلب از آنها گریه کنان بسمت منازل خود میروند
 و اتماما بجا تمامای دلسوز جان گذاری است گمانم این است
 هر کسی دارای قلب باشد یعنی از بد بختی هم نوع
 متاثر شود بحال محتاجین بیانک استقراضی رفت میاورد
 اگر از روی انصاف دقت کنیم خواهیم فهمید که این
 بیچارها هر چه شکایت کنند حق دارند چگونه دلتنگ
 نباشند و حال اینکه فلان بد بخت اسبابی را که بیست
 تومان از زنی دارد پنج تومان گرو گذاشته و در اس
 موعد هم که نمیتواند از گرو بیرون بیاورد اسبابش
 فروخته میشود و شاید یکتومان دیگر باو بدهند

این ترتیب ابد در زمان ریاست رئیس سابق مقرر نبود
 و گمان میکنم رئیس جدید هم از این ظلمهای بین
 بی اطلاع باشند و در صورتیکه مطلع شوند در صدد
 نظم و ترتیب بر آید

(حبل المتین)
 نظرات خود را در باب بانک استقراضی و زیاد کردن
 ربح در نمرات آتی خواهیم نگاشت
 (لایحه انجمن کفابخانه)

حضور مبارک نایب مدیر جریده حبل المتین دامت
 برکاته

در عرض انجمن و فائیه کارگران کفابخانه که در نمره
 ۱۴۰ درج فرموده بودید اشاره شده بوده هر خدمتی از
 این انجمن بروز کرد اطلاع خواهیم داد که عموم
 هموطنان عزیز از خدمات این صنف کم نام مطلع شوند
 و چون مقصود از انعقاد انجمن مشورت در امور خیریه
 است چاکرین هم بنای کارهایمان را بر مشورت نهاده
 و چند روز است در صددیم بلکه کاری بکنیم که اهالی
 وطن محتاج بخزیدن کفش از خارجه نباشند هر چه
 دقت کردیم راهی جز رفع ثقل برای جلو گیری از
 کفش خارجه بعقل فاصرمان نرسید

بنابر این از اساتید محترم استدعا نمودیم که بهادار
 این فرمان دوختن جنس مشورت و قلابی بمانند از قبیل
 کف کهنه و نعلکی مقواتی و چرم اسبی و غیره و به
 انجمن محترم اتحادیه اصناف هم عرض نمودیم اعضای
 محترم کمال همراهی فرموده مخصوصا جناب آقای
 صدر العلماء غایت مساعدت نمودند و باساتید کفابخانه
 از انجمن اتحادیه اصناف سفارش و عنق شد جنس
 مشوش نباید بکار کران بدهند که در واقع خیانت بملت
 است اسنادان هم این امر خیر خواهانه را متقبل شدند
 ولی بعضی که هنوز زدمت از رفتارهای سابقشان
 بر نداشته اند بخمال خام افتده که شاید اسباب چینی نموده
 و کار فرمایان و کارگران را از این امر خیر باز دارند
 و هر ساعتی شهرتی میدهند

از عموم برادران وطنی مستدعی هستیم که با ما در
 این امر خیر همراهی و مساعدت نموده بلکه انشاء
 الله کم کم ثقل ریشه کن شود

(عموم کارگران کفابخانه)

(حسن الحسینی الکاشانی)